هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعیت اسلامي افغانستان

دور ششم – سال نهم – شمارهٔچهلم ۱۲ جدی- ۱۳۸۸ – ۱٦ محرم الحرام ۱٤۳۱

2- January 2010

سرمقاله

حکومت بحران مشروعیت را چگونه حل خواهد کرد؟

ص۲

برگ از آرشیف جهاد و مقاومت

دلاور، عقابان کشورند

ص۴

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت در مراسم روز عاشورا:

قیام امام حسین از این فلسفه نشأت می گیرد که بدون اصلاحات سیاسی هیچ اصلاحی در جامعه به میان نمی آید



***

به علت عدم عاقبت اندیشی زعامت سیاسی کشور کوشش های تشکیل یک دولت ملی به نتیجه نرسید

ص۳

اما شماری هم به این فکر بودند که به خاطر واقعیت های تلخی که در کشور وجود دارد، ما باید به نوع از مشارکت و همبستگی ملی تن بدهیم که این تلاش ها صورت گرفت ومتأسفانه بازهم به علت عدم عاقبت اندیشی زعامت سیاسی کشور این کوشش ها به نتیجهٔ نرسید. در روز عاشور پیام این باشد که ما در برابر فساد مبارزه کنیم وبه خاطر اصلاح دست به دست هم بدهیم، ازوحدت ملی واستقلال سیاسی، حفظ عزت وآبروی این کشور دفاع می کنیم و برای باز سازی و تأمین امنیت درکشور تلاش می کنیم.

کشته شدگان در ولایت کنر غیر نظامی بودند



هیئتی که از سوی حکومت جهت بررسی حادثه تلفات در ولسوالی نرنگ ولایت کنر رفته بود. اعلان نموده است کشته شدگان افراد غیر نظامی بودند. در این حادثه که هفته گذشته واقع شد، هشت تن به قتل رسیدند. گفته می شود برخی از منابع از جمله مردم محل گفته اند که شش تن این کشته شدگان شاگردان مکتب بودند اما منابع دیگر در صحت این اخبار اظهار تردید کردند و گفته اند اکنون که در این ولسوالی مکاتب تعطیل اند. تجمع این شاگردان در یک محل سوال بر انگیز است. نیرو های ائتلاف قبلاً اعلان نموده بودند که در آن حمله افراد مسلح مخالف را به قتل رسانده اند.

این کشتار غیر نظامیان پس از آن صورت می گیرد که، نیرو های خارجی اعلان نموده بودند تدابیر لازم را برای جلوگیری از تلفات غیر نظامی روی دست گرفته و پس از این حملات آن ها جان غیر نظامیان را به خطر نخواهند انداخت.

موضوع دیگر که در این حمله و کشتار افراد غیر نظامی مورد بحث قرار گرفته است. نقش نیرو های افغانستان است. نیرو های ائتلاف ادعا دارند، حملهٔ مذکور با هماهنگی نیرو های افغانستان صورت گرفته، اما این نیرو ها گفته اند در عملیات یاد شده نقشی نداشته اند.

این کشتار با اعتراض شدید مواجه شده است، پارلمان و ریاست جمهوری افغانستان حملهٔ مذکور را محکوم نموده و تظاهراتی نیز در کابل و جلال آباد علیه آن صورت گرفت.

درحاشیهٔ سخنان استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت

ص۵

د ولسي جرگې د غړو د پاملرنې وړ:

نوماند وزیران اود باور رایه

ص۶

تأکید بر تعویق انتخابات

ص۲

چالش های تفتیش و بررسی در افغانستان

ص۶

تلفات سنگین سی آی ای در ولایت خوست

بر اثر یک حمله انتحاری در پایگاه نظامیان امریکا در خوست، هشت تن از ماموران سازمان استخباراتی امریکا (سی آی ای) به قتل رسیدند و شماری دیگر مجروح شدند.

گفته می شود یک حمله کننده انتحاری توانست به داخل پایگاه نظامی امریکا در ولایت خوست رخنه نموده و خود را در میان شمار زیادی از ماموران سیا منفجر نماید که تلفات سنگین بر جای گذاشت. سازمان سیا این حادثه را تأیید نموده و آن را بزرگترین تلفات این سازمان در ۲۵ سال اخیر خوانده است.

این حادثه یک بار دیگرشگاف های امنیتی در پایگاه های امریکا در افغانستان را مطرح نموده و نشان می دهد که مخالفین مسلح دولت افغانستان از تکتیک های جدید و پیچیدهٔ استفاده می کنند و اطلاعات زیادی در مورد فعالیت های سی آی ای بدس می آورند.

همزمان با تلفات امریکاییان در خوست، در ولایت دیگر جنوبی در قندهار یک بم کنار جاده جان چهار تن از نظامیان کانادایی و یک خبر نگار آن کشور را گرفت.

تلفات اخیر خارجیان در کشور در حالتی صورت می گیرد که امریکا قصد دارد نیروهایش را افزایش داده و ۳۰ هزار سرباز اضافی را اعزام نماید.

مسلما اعزام سربازان بیشتر تلفات این نیرو ها را نیز افزایش خواهد داد. شاید افزایش تلفات نیرو های خارجی زمانی آغاز گردد که پس از سپری نمودن زمستان فصل جنگ ها فرا برسد و زمینهٔ مساعد تری برای فعالیت مخالفان مسلح مساعد گردد. فکر می شود هر دوطرف برای آغاز شدیدترین جنگ ها در بهار سال آینده آمادگی میگیرند.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

حکومت بحران مشروعیت را چگونه حل خواهد کرد؟

واقعیت آن است که یافتن مبنای قانونی برای مشروعیت حکومت آقای کرزی کار دشواری بوده تا کنون دلایلی که از طرف نظریه پردازان تیم حاکم عنوان شده نتوانسته است، قناعت مردم را فراهم سازد.

همه می دانند که در انتخابات ۲۹ اسد کسی آرای لازم را برای برنده شدن بدست نیاورد. طبق اعلان کمیسیون شکایات انتخاباتی و تأیید منابع بیطرف داخلی و خارجی، آرای آقای کرزی با وجود تقلب، زیر ۵۰ در صد بود و طبق قانون باید انتخابات به دور دوم می رفت، اما به علت خود داری حکومت از پذیرش حد اقل شرط های منطقی و قانونی داکتر عبدالله نامزد جبهه ملی، دور دوم بر گزار نگردید و سرانجام کمیسیون انتخابات بدون هیچ دلیل قانونی و قانع کننده، آقای کرزی را برنده اعلان کرد. این اعلان کمیسیون انتخابات با مخالفت تمام کاندیدان انتخابات رو بروشد و بخش عمدهٔ مردم آن را نپذیرفتند.

انتخابات ریاست جمهوری امسال روندی نبود که آقای کرزی بتواند آن را مبنای مشروعیت حکومت خویش عنوان کند و باید در صدد فراهم آوری بسترهای دیگری برای مشروعیت باشد. اما متأسفانه آن چنانکه مشاهده می شود حکومت برای این کار علاقه نسان نمی دهد و نمی تواند پی امد های منفی عدم مسروعیت را به درستی درک کند.

نبود مشروعیت دولت را در زمینه های مختلف آسیب پذیر می سازد گروه های مخالف مسلح که اکنون در برابر نیرو های دولتی و نیرو های خارجی مشغول جنگ هستند، از عدم مشروعیت دولت به عنوان یک حربهٔ موثر تبلیغاتی و روانی جهت ایجاد انگیزه و باور برای ادامهٔ جنگ در میان عناصر و هواداران خویش، استفاده می کنند و ممکن است با استفاده از آن گروه ها و افراد دیگری را نیز جذب کند.

از دیگر سو نبود مشروعیت، دولت را در برابر نیرو های خارجی آسیب پذیر می سازد. اکنون کشور های زیادی در افغانستان نیرو داشته و دارای نفوذ می باشند. این کشور ها به منظور پیاده کردن سیاست و استراتیزی های خویش، علاقمند هستند با یک حکومت ضعیف و فاقد حمایت مردمی در کابل طرف باشند، آنها در چنین حالتی می توانند بر نامه ها و سیاست های خویش را بدون آنکه با واکنش یک حکومت نیرومند و دارای پایگاه مردمی روبرو شوند تطبیق کنند.

نبود یا ضعف مشروعیت، دولت را در جلب حمایت وسیع مردم نا توان می سازد. اکنون که گروه های مخالف مسلح در برابر دولت قرار دارند، جلب حمایت مردم و جریان های سیاسی، یکی از میدان های عمدهٔ جنگ می باشد، دولتی که از ناحیهٔ فساد گسترده اداری، کم کاری و تقلب و وابستگی در رنج بود، اکنون نبود مشروعیت به آن اضافه شده است و ناگزیر است، برای برنده شدن در این میدان، با مشکلات فراوان دیگر دست و پنجه نرم کند.

اگر چه تنها راهکار های پیش بینی شده در قانون اساسی یعنی انتخابات می تواند برای حکومت مشروعیت ایجاد کند، اما اکنون که در نتیجه تقلب این امکان منتفی شده است، باید رهبری کشور با در نظر داشت مصالح ملی و مردم راه های ممکن دیگر را برای مشروعیت دست و پا کند. ایجاد حکومت وحدت ملی و شریک ساختن تمام گروه ها در ادارهٔ کشور، می توانست به عنوان یک عامل برای حکومت مشروعیت به میان بیاورد، اما با اعلان اعضای کابینه، روشن شد که آقای کرزی در جذب همکاری دیگر گروه ها و شخصیتها تلاش کافی انجام نداده و نتوانسته است این امکان را به میان بیاورد.

ایجاد یک ادارهٔ سالم و خدمتگزار و مبارزه موفقانه علیه فساد گسترده اداری و موفقیت در تأمین عدالت، کاهش فقر و ایجاد اشتغال، زمینه های دیگری است که دولت می تواند با استفاده از آن کسب مشروعیت کند. اما عملکرد دولت در این زمینه ها نیز برای مردم امید واری ایجاد نمی کند.

تأکید بر تعویق انتخابات

وحید مژده

طبق مادهٔ هشتاد وسوم قانون اساسی، کار ولسی جرگهٔ افغانستان باید در اول سرطان سال پنجم بعد از اعلام نتایج انتخابات به پایان برسد و شورای جدید به کار آغاز نماید.

روز دوشنبهٔ هفتهٔ گذشته جمعی از اعضای مجلس نمایندگان امریکا در سفر به افغانستان، از رییس جمهور کرزی خواستند تا معیاد انتخابات پارلمانی را برای یکسال دیگر به تعویق بیاندازند.

این درخواست ظاهرا مبتنی بر گزارشی از کمیسیون اروپاست که در ۱۶ دسامبر به نشر رسید و در آن شرایط لازم برای انتخابات پارلمانی در افغانستان ناکافی خوانده شده بود. در این گزارش در مورد استقلال کمیسیون انتخابات ابراز تردید شده است. می دانیم که این کمیسیون به انتخاب رییس جمهور بمیان آمده و در جریان انتخابات ریاست جمهوری، کمیسیون مذکور به جانبداری و عدم استقلال متهم شد.

راپور کمیسیون اتحادیهٔ اروپا خواهان آنست که اعضای بلندپایهٔ این کمیسیون که در جریان انتخابات در تقلب دست داشتند باید از کار برکنار گردند. در جواب به این خواست، کمیسیون انتخابات اعلام نمود که عده ای از کارمندان پایین رتبهٔ این کمیسیون از کار برکنار شده و چند تن هم به مقامات قضایی معرفی شده اند. کاری که نمی تواند قناعت منتقدین را فراهم آورد که تاکید دارند باید اعضای بلند پایهٔ این کمیسیون به شمول رییس آن از کار برکنار و حتی به مراجع قضایی معرفی شوند.

نکتهٔ دیگری که در راپور کمیسیون اتحادیهٔ اروپا آمده است به قانون انتخابات رابطه می گیرد. گفته شده که قانون انتخابات افغانستان دارای خلا های جدی است که این خلا ها نیز زمینه ساز تقلب و بی سروسامانی در انتخابات بوده است. طوریکه دیده شد در موارد متعددی، وقایعی به میان آمد که در قانون انتخابات پیشبینی نشده بود از جمله کنار رفتن داکتر عبدالله از انتخابات دور دوم که موجب شد تا حامد کرزی بر بنیاد رای دور اول که کمتر از پنجاه درصد بود، با فیصلهٔ کمیسیون انتخابات مجددا به ریاست جمهوری برسد. اینکه آیا کمیسیون انتخابات از چنین صلاحیتی برخوردار بود یا نه مسئله ای بود که موجب بحث و جدل گردید که تاکنون هم پایان نیافته وموجب تضعیف مشروعیت رییس جمهور شده است. یکی از اعضای کانگرس که در مورد تعویق انتخابات با رییس جمهور کرزی مذاکره کرده بود طی سخنانی که رادیو بی بی سی آنرا منعکس کرد اشاره به این داشت که حکومت کرزی از مشروعیت کامل برخوردار نیست.

نکتهٔ دیگری که در گزارش کمیسیون اتحادیهٔ اروپا منعکس شده موضوع ثبت نام رای دهندگان است. تاکنون در افغانستان نه نفوس شماری صورت گرفته و نه سند تثبیت هویت قانونی به همه مردم توزیع گردیده است. در این رابطه بخصوص در قسمت رای دادن زنان مشکلات زیاد وجود داشته است. در انتخابات ریاست جمهوری ادعا شد که ولایت هلمند تعداد کثیری از زنان در انتخابات شرکت کرده و رای خود را به صندوق های رای ریخته اند. این موضوع به این دلیل از طرف رقبای آقای کرزی رد شد و نشانی از تقلب بشمار آمد که هلمند یکی از ناآرام ترین ولایات کشور بوده و بصورت سنتی، زنان کمتر در چنین مناسبت ها در صحنه حاضر می شوند.

موضوع دیگری که در راپور کمیسیون اتحادیه اروپا بعنوان یک مشکل در روند انتخابات افغانستان به آن پرداخته شده موضوع مرز میان ولسوالیها در افغانستان است. مرز نامشخص میان ولسوالیها سبب شد که در انتخابات ریاست جمهوری اعتراضاتی بمیان آید. در راپور این مسئله از جمله عوامل تقلب در انتخابات نشاندهی شده است.

به نظر می رسد که دلایلی که در این گزارش آمده است برای کشورهای خارجی این قناعت را فراهم آورده که انتخابات پارلمانی در افغانستان امکان تدویر عادلانه و شفاف نخواهد داشت و ممکن است موجب مشکلات و کمک به ناامنی های بیشتر در افغانستان گردد. همانگونه که دیده شد، پس از انتخابات ریاست جمهوری، ناامنی ها بصورت ناگهانی در شمال گسترش یافت در حالیکه قبل از انتخابات وضع بهتر بود.

> **بعضی از کشور های خارجی تهدید کرده اند که در صورتیکه انتخابات پارلمانی در کشور برگزار گردد، آنها از کمک به افغانستان خودداری خواهند کرد. یک مقام امریکایی گفته است که امریکا نمی خواهد مالیات مردم خود را صرف انتخاباتی نماید که به شفافیت آن اعتماد ندارد، سخنگوی رییس جمهور می گوید که انتخابات در زمان معین برگزار خواهد شد و اگر کشورهای خارجی کمک نکنند، مصارف انتخابات از بودجهٔ دولت تادیه خواهد شد.**

سوالی که در ای رابطه مطرح است اینست که وضعی که در گزارش کمیسیون اتحادیهٔ اروپا منعکس شده تازگی ندارد و انتخابات پارلمانی وریاست با همین مشکلات برگزار گردید و در آن زمان امریکا و کشور های دیگر در مورد آن اعتراضی را مطرح نکردند. پس به کدام دلیل این مسایل اکنون از نظر آنان مشکل آفرین شده است؟

یکی از دلایل این درخواست ظاهرا اینست که امریکا با اعزام نیروهای جدید به افغانستان قصد دارد تا طالبان را شکست دهد و سال ۲۰۱۰سال جنگ های شدید خواهد بود. امکان دارد که انتخابات ریاست جمهوری روی استراتژی اوباما در مورد این جنگ تاثیر منفی بگذارد. آمادگی برای انتخابات نیازمند آرامش و صلح است اما حمله بر مواضع طالبان می تواند بر شفافیت انتخابات تاثیر منفی بگذارد. از طرف دیگر نیروی جدید برای ریشه کردن طالبان به افغانستان اعزام شده اند و در صورتیکه انتخابات برگزار گردد، آنها مجبور اند تا بجای جنگ با طالبان، امنیت انتخابات را تامین نمایند وموضع تدافعی اختیار کنند. این کار موجب خواهد شد تا طالبان با قدرت بیشتر در صحنه ظاهر شوند. کاری که در جریان انتخابات ریاست جمهوری شاهد آن بودیم و در نتیجه تعداد تلفات نیروهای خارجی بصورت بی سابقه افزایش یافت.

درست است که انتخابات به این شکل می تواند روی استراتژی جنگ اوباما در افغانستان تاثیر منفی داشته باشد اما سوال اینست که تعویق انتخابات پارلمانی یا بعبارهٔ دیگر تمدید معیاد کار پارلمان فعلی برای یکسال دیگر، چه تاثیری روی اوضاع سیاسی کشور خواهد داشت؟

نخستین تاثیر این عمل ضربهٔ شدید به حاکمیت قانون در کشور خواهد بود. قانون اساسی کشور یکبار دیگر زیر پا خواهد شد و به این ترتیب ارزش این قانون بصورت کلی زیر سوال خواهد رفت.

از آنجا که در قانون اساسی کشور در مورد تمدید کار پارلمان به این شکل هیچ گونه پیشبینی وجود ندارد، پارلمان بعنوان قوهٔ مقننه در کشور چگونه توانست قانون تصویب نماید در حالیکه خودش بنیاد قانونی ندارد؟

در این رابطه می توان به این بخش از مادهٔ هشتاد وسوم استناد نمود که گفته شده که معیاد کار ولسی جرگه بعد از اعلام نتایج انتخابات به پایان می رسد، وقتی انتخابات صورت نگیرد، معیاد کار ادامه خواهد یافت. بنابراین با استناد به این بخش از مادهٔ هشتاد وسوم می توان معیاد کار شورا را تمدید نمود و آنرا قانونی دانست.

تعویق انتخابات نشان خواهد داد که تطبیق استراتژی اوباما از قانون اساسی افغانستان اهمیت بیشتر دارد و این مسئله اهمیت این قانون و حتی حاکمیت ملی کشور را که از قبل نیز وضع مساعدی ندارد، بیش از پیش تضعیف خواهد کرد.

بعضی از کشور های خارجی تهدید کرده اند که در صورتیکه انتخابات پارلمانی در کشور برگزار گردد، آنها از کمک به افغانستان خودداری خواهند کرد. یک مقام امریکایی گفته است که امریکا نمی خواهد مالیات مردم خود را صرف انتخاباتی نماید که به شفافیت آن اعتماد ندارد، سخنگوی رییس جمهور می گوید که انتخابات در زمان معین برگزار خواهد شد و اگر کشورهای خارجی کمک نکنند، مصارف انتخابات از بودجهٔ دولت تادیه خواهد شد.

این کار می تواند زمینهٔ دیگری را برای اختلاف میان رییس جمهور کرزی و خارجیان بمیان آورد اما مردم افغانستان خواستار انتخابات پارلمانی شفاف و عاری از تقلب در زمان معین اند.



متن کامل سخنرانی

استاد برهان الدین ربانی در مراسم روز عاشورا:

به علت عدم عاقبت اندیشی زعامت سیاسی کشور کوشش های تشکیل یک دولت ملی به نتیجه نرسید

الحمد الله رب العالمین والصلاه والسلام علي سيدنا محمد و علي آله وأهل بيته وصحابته ومن جاهد في سبيله الي يوم الدين

قال الله تبارک وتعالی فی محکم کتابه وهو اصدق القائلین: إنما يريدالله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا) صدق الله مولانا الكريم

وقال النبی صلی الله علیه والسلم: (ترکت فیکم ما أن تمسکتم به لن تضلوا کتاب الله وعترتی)

برادران عزیز عزاداران حسینی سالروز دردناکترین حادثه تاریخ، شهادت حضرت امام حسین ویاران گران قدر اهل بیت را که دراین واقعه خونین جان به جان آفرین تسلیم نمودند، تسلیت می گویم.

حادثهٔ کربلا نهضت بزرگ وحماسهٔ فراموش ناشدنی تاریخ است. این حادثه حرکت جدیدی را دردنیای اسلام به وجود آورد که عبارت ازحرکت اصلاح، تغییر وقیام برای آزادی مسلمانان ونجات امت اسلامی بود.

این گونه حرکت ها دربرابر ستمگران تاریخ درهر جای که هستند الی قیام قیامت ادامه خواهد داشت.

درحادثه کربلا عقل وعاطفه وروح واحساس همه ز یدخل هستند،شکی نیست که سنگدل ترین انسان زمانی که می خواهد حسین نازنین، حسینی که پیامبر گرامی درباره اش فرموده بود(أنا من حسین وحسین منی) وفرموده بودند: (اللهم إنی أحب حسیناً فأحبه) حسینی اگر در محراب عبادت برگردن پیامبر بالا می شد تا زمانی که پایین نمی شد، پیامبر سرش را ازسجده بر نمی

داشت، روزی لحظات طولانی درشانه هایش بود ومردم پریشان شدند که چرا پیامبر سر ازسجده برنمی دارد، پس ازنماز پیامبر می فرماید، علت طولانی شدن سجده این بود که،

حسین درپشتم سوار بود و نخواستم که او را اذیت کنم.

اما این سنگدلان وحشی صفت، حسین وکودکان اهل بیت را با کمال بی رحمی شهید ساختند.

به همین علت است که بعد ازقرن ها با یاد این حادثه، سنگدل ترین انسان ها اشک ازچشمانشان فرو می ریزد وسخت غمگین می شوند.

البته حادثه کربلا تنها یک حادثه عاطفی نیست،بلکه این حادثه یک درس بزرگ است

قیام حسین رض برای چه بود؟

خود امام می گوید که برای ایجاد آشوب برای گرفتن سلطه وقدرت قیام نکرد. بلکه برای اصلاح ونجات وجلوگیری ازپخش فرهنگ ذلت وظلمت قیام کرد. یقیناً امام حسین این حقیقت را به خوبی درک کرده بود که تاریخ گویای این است تازمانی که نظام های فاسد وزندان داران مستبد، برجامعه حاکم باشند هیچ اصلاحی در آن جامعه ممکن نیست. قیام امام حسین از این فلسفه نشات می گیرد که بدون اصلاحات سیاسی، درجامعه اصلاحات به میان نمی آید.

حرکت های اصلاحی در تاریخ به عناوین مختلف چون اصلاحات فرهنگی، اصلاحات اقتصادی، اجتماعی واصلاحات سیاسی صورت گرفته است. اما تا زمانی که اصلاحات سیاسی دریک جامعه به میان نیاید، دیگر همه تلاش های اصلاحی بی ثمر خواهدبود.

عناصر مستبد قرار بگیرد، ما انتظارنداشته باشیم که اصلاحات فرهنگی، اقتصادی به میان می آید ودر برابر فساد مبارزه صورت می گیرد. باید مبارزه برای اصلاح رأس قدرت ونظام سیاسی صورت بگیرد، اگر نظام سیاسی فاسد شد دیگر هیچ اصلاحی ممکن نیست.به همین علت امام حسین تصمیم می گیردکه باید درنظام سیاسی تغییر به میان بیاید.

او درآئینه نظام استبدادی یزید، ذلت مسلمانان را می دید، نمی خواست مسلمانان ذلیل باشند بلکه می خواست آنها عزیز وسربلند باشند.

او حرکت کرد وبا خود زنان واطفال را برد، مردم گفتند چرا امام چنین کاری را می کند؟ آیا خطر این ها را تهدید نمی کند؟ حضرت امام نشان داد که او به تمام معنا دراین حرکت خود جدی ومصمم است. وفریاد زد(إن صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین) همه چیز خود را فدای خدا وفدای راه جدش ساخت وبرای همه نشان داد که این حرکت یک نمایش نیست، بلکه می خواست تغییر به وجود بیاید ولو این که به قیمت شهادت تمام اعضایی خانواده اش باشد.

البته ناگفته نماند که حضرت امام نمی خواست همه را در مهلکه قرار بدهد، زیرا توقع می رفت که اهل کوفه بعد ازوعده های زیادی که داشتند از حضرت امام حسین حمایت می کنند. اما انسان های که باید درپهلوی امام قرار می گرفتند، دیده شد که تحت تأثیر اوضاع سیاسی فاسد، امام را تنها گذاشتند.

ما به دنبال گرفتن وزارت نبودیم، بلکه اکثریت هواداران داکتر عبدالله با شرکت در حکومت مخالف بودند و می گفتند که در یک حکومت فاسد ونظام فاسد، شریک نمی شویم.

امام فکر می کرد اگر برضد نظام فاسد قیام صورت نگیرد، عزت مسلمانان، آزادی و عدالت برای همیش نابود می شود وقدرت تأثیر خود را بالای تمام ارزش ها حاکم می گرداند.

همیشه در جوامع اسلامی چنین خطری وجود داشته است، چنانچه شما در اوضاع اخیر افغانستان دید که بسیاری مردم تعهدات خود را تغییر دادند.

با آن که این قیام منجر به شهادت حسین و اعضای اهل بیت پیامبر اکرم گردید، اما این قیام باعث خیزش های بزرگ درجهان اسلام شد، که قدرت های استبدادی را به لرزه در آورده و سرنگون کرد، قیام های بعدی مربوط یک گروه خاص نبود، امام حنبل که رهبر مذهب ظاهری بود می خواست فتوا صادر کند تا مردم یزید را لعنت کنند، امام اعظم رهبر تفکر عقلانی، از قیام حسین حمایت کرد، قیام حسین رمز وحدت ومبارزه جهان اسلام شد وسنی وشیعه همه از این قیام حمایت کردند.

در افغانستان به حمدالله به استثنایی عناصر کوردل وتاریک نظر، دیگر اهل دو مذهب شیعه وسنی باهم دوست وبرادر هستند. حضور بردران سنی وشیعه درعاشورای حسینی دلیل به وحدت ویک پارچگی است که به لطف خدا در کشور ما به

شود، چیزی که متأسفانه دربرخی از کشورهای اسلامی وجود ندارد.

امروز درحالی که ما خاطره قیام بزرگ امام حسین را به یاد می آوریم وبه روح او به اهل بیتش درود می فرستیم، به خاطر می آوریم که ۳۰ سال پیش در چنین روزی کشور ما مورد تجاوز خارجی قرار گرفت.

تجاوز اتحاد شوروی که کربلا های زیادی را درکشور ما ایجاد کرد، قشون سرخ درتبانی عناصر مزدور حریم حاکمیت ملی ما را درهم شکست. دراثر این تهاجم ویرانی ها آوارگی ها ومصیبت های زیادی دامن گیر مردم ما شدکه تا امرزو ادامه دارد.

من می خواهم به این موضوع اشاره کنم،قسمی که بعد ازکربلای حسینی که یک نوع احیا گری در دنیای اسلام ایجاد شد، بعد از تهاجم خونین شوروی نیز، پدیدهٔ جایدی درکشورما به میان آمد که عبارت ازرستاخیز جهادی درکشور بود. این پدیده به عنوان یک سونامی جهان را به لرزه در آورد و فروپاشی اتحاد شوروی آغاز شد و به دنبال آن تحول بزرگ در تاریخ وجغرافیای بزرگ جهان به میان آمد، دیوار برلین ازهم شکست، بسا ازملت های در زنجیر سرانجام به آزادی رسیدند، اما دریغ وصد دریغ که هنوز هم درد های ملت به پایان نرسیده و جریان کشتار ها، مظلومیت ها و آوارگی ها تاهنوزهم ادامه دارد.

سرنوشت ستمگران تاریخ درگذشته ناکامی وذلت بوده، و ما یقین داریم که درهرجای همیش دسته های ظلم وستم به ناکامی رو برو می شوند ومظلومین وملت های محروم به آزادی وعزت خود می رسند. امید واریم که کشورما هم این مراحل خونین را پشت سر بگذرد وبعد ازاین همه قربانی های که دادیم مردم ما به امنیت سرتاسری دست یابند.

پیام وحدت ویک پارچگی که پیام عاشورا است ما در شرایط کنونی سخت به آن ضرورت داریم. درسراسر جهان اسلام به این پیام ضرورت است.

باید ما مسلمانان بعد ازاین به دشمنان اجازه ندهیم که کشمکش های خونینی را به نام گروه ومذهب دامن بزنند، دشمنان ازاین فتنه در مراحل مختلف استفاده کرده اند، بعد ازدوره استعمار عامل عقب ماندگی مسلمانان همین اختلاف ها بوده است. امیدواریم که در روز عاشور با الهام ازپیام وحدت آور حسینی مسلمانان در افغانستان عزیز همه باهم درپهلوی یک دیگر قرار بگیرند.

چند نکته را می خواهم به ارتباط اوضاع کنونی کشورمان اشاره کنم:

شما شاهد هستید که امسال مبارزات گرم انتخاباتی در افغانستان صورت گرفت. تعدادی زیادی خود را کاندید کردند والبته چند کاندید رای بیشتر آورد. به خصوص دونفر شان که آقای کرزی ودکتور عبدالله عبدالله بودند

بعد ازانتخابات همه می دانند که تقلب گستردهٔ صورت گرفت ونه تنها آبروی یک شخص ویک فرد را برد، بلکه باعث آبرو ریزی ملی وبین المللی گردید که یک صحنه اسف باری بود.

با جلوگیری از چنین وضعیتی، با رئیس جمهور تماس گرفتیم، در جریان این تماس ها پیام ما این بود که پیش ازاین که سروصداها بلند شود و رسوای به میان بیاید، بیایید به یک راه حل ملی توافق کنیم که همه گروه ها و مردم افغانستان در آن سهم بگیرند و یک ادارهٔ فعال ایجاد گردد.

زیرا درشرایط فعلی ما در برابر چلنج های مختلف قرارداریم، همه قدرت را در دست داشتن هم کار سادهٔ نیست، اما گروه ها و اشخاص در داخل حاکمیت این راه حل را نپذیرفتند و امروز می بینم که حکومت تحت تأثیر و فشار های شدید خارجی در داخل قرار گرفته و نمی تواند تصامیم درستی اتخاذ کند و اکنون رئیس جمهور می گوید که، خارجیان بر من امر می کنند که شماری ازوزرا را ازجای شان بی جا نسازیم، وقتی که گپ به این شکل باشد، زعامت سیاسی تصمیم مستقلانه گرفته نتواند و دربرابر تهدیدات مسلح مخالفین، درمقابل فشارهای بیرونی ومداخلات آن ها تسلیم شود، دیگر استقلال و وحدت ملی معنی ندارد. اگر حکومت توافقی ملی به میان می آمد، بسا ازمشکلات حل می شد وما می توانستیم دربرابر مخالفت های افراد مسلح هم بایستیم و هم دربرابر فشارهای خارجی متحدانه مقاومت بکنیم، که متأسفانه این کار صورت نگرفت .

ما به دنبال گرفتن وزارت نبودیم، بلکه اکثریت هواداران داکتر عبدالله با شرکت در حکومت مخالف بودند و می گفتند که در یک حکومت فاسد ونظام فاسد، شریک نمی شویم.

اما شماری هم به این فکر بودند که به خاطر واقعیت های تلخی که در کشور وجود دارد، ما باید به نوع از مشارکت و همبستگی ملی تن بدهیم که این تلاش ها صورت گرفت ومتأسفانه بازهم به علت عدم عاقبت اندیشی زعامت سیاسی کشور این کوشش ها به نتیجهٔ نرسید. در روز عاشور پیام این باشد که ما در برابر فساد مبارزه کنیم وبه خاطر اصلاح دست به دست هم بدهیم، ازوحدت ملی واستقلال سیاسی، حفظ عزت وآبروی این کشور دفاع می کنیم و برای، باز سازی و تأمین امنیت درکشور تلاش می کنیم.

تاجای که به ما ارتباط دارد، هرگاه بینیم که حکومت اقدامات درستی انجام می دهد ما به خاطر حفظ مصالح ملی و تأمین امنیت، از این اقدامات حمایت می کنیم.

البت ادامه مبارزات ما به خاطر ازبین بردن فساد، اصلاحات اساسی وبنیادی، ازبین بردن انحصار طلبی ها، مظلومیت ها و جلوگیری از بی عدالتی و وجیبه ملی ودینی ماست و ما به آن ادامه می دهیم، ما این درس ها را ازقرآن وپیامبرخدا آموخته ایم، این درس را قیام عاشورای حسینی برای ماداده است.

تشکر

اقول قول هذا استغفرالله لي ولكم

برگی از آرشیف ادبیات جهاد ومقاومت

دلاور، عقابان این کشورند

عبدالقیوم ملکزاد

رئیس جمهور یک کشور بزرگ، شجاعت (!) قشون تا دندان مسلحی را مورد ستایش قرارمی دهد که در برابریک ملت بیچاره ، ضعیف و تهیدست، وحشیانه صف آرایی کرده، اما آن ملت با تکیه برنیروی ایمان ، این نیروی اهریمنی را چنان تاروماروخسته وناتوان ساخت که تعجب جهانیان را برانگیخت . چنانچه دیده شد سرانجام همین قوای مورد تحسین گورباچف – که تعداد شان چندین برابر ازمجاهدین بیشتربود– چاره یی جزفرار و عقب نشینی ازکشورما ، ندید

حال سخن ازیکتن ازسرایندگان دردمند و فرهیختهٔ کشور: **عبدالاحد تارشی** است. کسی که به حق شورانگیزترین سروده هارا به آرشیف ارزشمند وپربارجهاد مقدس ملت مسلمان افغانستان ، ارمغان کرده است .

تارشی برای ارائه وشرح دسایس، نیرنگ ها وجنایات کرملین نشینان واثرات تجاوزآنها درافغانستان ، سروده های پرشور زیادی انشاد نموده است که متاسفانه همهٔ سروده های آن شاعربلند فریاد ، فرا اختیارما نمی باشد .

نمونه یی که در ذیل تقدیم می گردد، برگرفته شده از یک نشریه جهادی است به نام "میثاق خون" ! بناءً با توجه به معاذیری که پیشکش گردید، فقط به چیدن یک دسته گل بویا از چمنزار سخن این سخنسرای نامدار، اکتفا می ورزیم که حاوی پیامیست وسیع، سخنان بدیع و معانی ناب.

این سرودهٔ هشتاد وهشت بیتی –که تاریخ انشادش به آغازین روزهای حاکمیت گورباچف: (واپسین سردمداراتحاد شوروی سابق برمی گردد) " گوربه چف ازشجاعت (!) سربازان روسی درافغانستان تقدیرکرد " عنوان دارد.

شاعر درآغازین ابیات این شعربلند –که ...ه اسلو... ...وی انشادگردیده است – ...زگزارشی نقل قول می کند که درآن ...سردمدارکرملین ازبه اصطلاح شجاعت " سپاه سیه کار" خود ستایش به عمل می آورد .

سرودهٔ یادشده ازاینجا آغازمی یابد:

شنیدم که دجال سرخ لعین
جهانخواره دیو کرملین نشین
سرش چون ز ودکا دمی گرم شد
فزونتر زهروقت بیشرم شد
به بیهوده گویی دهان برگشود
سپاه سیه کارخود را ستود
شجاعش بنامید وگرد ودلیر
به فن نبرد آزمایی خبیر

راستی هم اظهارسخنانی با این محتوی –آنگونه که تارشی را به خنده وا داشته –برای ...رکس ازآنجهت خنده آوربود که رئیس جمهور ...ک کشور بزرگ، شجاعت (!) قشون تا دندان ...سلحی را مورد ستایش قرارمی دهد که در ...بریک ملت بیچاره ، ضعیف و تهیدست، ...شیانه صف آرایی کرده، اما آن ملت با تکیه ...یروی ایمان ، این نیروی اهریمنی را چنان ...وماروخسته وناتوان ساخت که تعجب ...انیان را برانگیخت . چنانچه دیده شد ...انجام همین قوای مورد تحسین گورباچف – ...تعداد شان چندین برابر ازمجاهدین بیشتربود ...چاره یی جزفراروعقب نشینی ازکشورما ، ندید

شاعربدین باور است که ، اینگونه هرزه ...رایی ها ناشی ازمستی وبیخودی است که ...ر سرکشیدن " ودکا " فراهم می آید ویا ...ی ازنشئهٔ افیون کمونیزم است که دل ودماغ ...ه هم می زند .

چنانچه تارشی می گوید :

کمونیزم افیون شیطان بود
بلای دل و جان انسان بود
ازاین بنگ هرکسی که مدهوش شد
عدوی خرد قاتل هوش شد
ضمیرش شود پایمال جنون
درآن نگذرد غیرسودای خون
حیا از وجودش گریزان شود
زدیبای اخلاق عریان شود
زبانش شود آسیاب دروغ
به گفتارش هرگزنماند فروغ

تارشی مدعی است : این گونه دروغ پردازی ها ومکروفریب وخدعه، خاصهٔ تجاوزگرانی چون ارباب کرملین است .

از زبان خود شاعرمی نیوشیم:

کرملین نشینان چنین اند همه
عدوی بشر، ضد دین اند همه

روسها به آن نیت به سرزمین ما تاختند پنداشتند که به سهولت خواهند توانست به مقاصد شوم تجاوزگرانهٔ شان نایل خواهند آمد.

دلیل این پندارپوچ – به قول سخنورما – برخاسته از اندیشهٔ خام وفاسدی بود که :

عقابان ما صعوه پنداشتند
زشیران تهی کشور انگاشتند

اما –چنانچه اشارت رفت –به زودی پی بردند که اندیشهٔ شان براساس خامی وتزلزل استوار است . فلهذا :

چو تخمین خود را خطا یافتند
به سنگر ، جنود خدا یافتند
چو خوردند صد ضربهٔ آتشین
به هردم زشلاق مردان دین
چو دیدند در صیدگه شیررا
چوکردند حس ضرب شمشیررا
چو تاوان هنگفت پرداختند
چو درمعرکه جنگ را باختند
بدیدند چون حالت خود پریش
گرفتند راه دگر را به پیش

ابیات بعدی ، شرح درپیش گیری ترفند دیگر ازسوی روسها بعد ازتحمل شکست های مفتضحانه درافغانستان است ، وآن ترفندهمانا : کوبیدن طبل آشتی ملی بود .

این قلم نیز بدان مناسبت هشدارنامه یی خطاب به مجاهدان تقدیم داشته بود که محتوای آن با روح کلام آتشین سخنسرای شناخته شدهٔ جهاد (تارشی) همگونی دارد .

سرودهٔ این قلم بدان مناسبت چنین بود :

شیرمردان دلیروطن ، ای جان به کفان !
همتی تاکه به زانو بفتد دشمن تان
هشدارید زنیرنگ وفسون روسان
چارهٔ کشور ما نیست به جز تیغ وسنان
حیلهٔ نو که ورا « حل سیاسی » نام است
باخبر باش دراین طرح هزاران دام است

اما تارشی ، که سخنان شیوایش در قالب مثنوی آراسته آمده ، دراین باب اینگونه داد سخن می دهد :

نهادند دام دگر تا مگر
به دام افتد این ملت نامور
سخن ها بگفتند از آشتی !
چه درها سفتند از آشتی !
نشد زآتش افروزی شان خموش
شرار قیام قیامت خروش
سرودند سازی به ساز شکست
که زینهارزین پس" آتش بس" است

ابیات واپسین شعر ،به شکست های پی درپی روسها درجبهات وسنگر های جهاد ملت مومن افغانستان اشاره دارد .

شکست هایی که سردمداران تجاوزگر، نتوانستند ازآن انکاربورزند . چنانچه :

نمودند باتلخی اقرار ها
زرسوایی خویشتن بارها
زغلتیدن شان به دریای خون
زمرگ هزاران کمونست دون
فغان برکشیدند : کای مردمان !
فزون گشت ازاین جنگ مارا زیان

شاعر بعد از تقدیم ابیاتی ، از صبا می طلبد تا پیام وی را به گوش کرملین نشینان برساند و برای گورباچف برگوید که دیگرپردهٔ تزویرو دروغ ازچهره اش برافتاده وکسی به سخنان دروغینش گوش نمی سپارد و بر ادعاهای اومهرتایید نمی گذارد :

دگر پرده افتاده از روی تو
ندارد اثر سحر وجادوی تو
دروغت بود گرچه زاندازه بیش
نه بیگانه باور نماید نه خویش

تارشی ازسردستهٔ کرملین نشینان پرسشی دارد که :

مگر کشتن کودکان غیرت است ؟
سبوعانه بمباردمان غیرت است ؟
شجاعت مگر قتل زنها بود ؟
ویا پیرمردی که تنها بود ؟
مگر زهر را در چشمه ها ریختن
مگر شعله برکشت ها بیختن
مگر کارگر را کشیدن زتیغ
زدهقان نکردن ستم را دریغ
مگرتیرباران زندانیان
مگرجان گرفتن زهر ناتوان
مگرآتش اندرمساجد زدن
شرارستم در معابد زدن
مگر دزدی وغارت خانه ها
رذیلانه تخریب کاشانه ها
مگر دختران را نمودن شهید
ویا دیگر اعمال زشت وپلید
دلیری بود ای تو دجال قرن ؟
ستم پیشه شیطان قتال قرن ؟

وی می گوید: سزاوارتقدیر وستایش، مجاهدان راه خدا ویا سپاهیان رشید اسلام اند که با قدرت عقیده وایمان، دمار ازسرارتش سرخ برآوردند :

دلاور بود لشکر کردگار
که از ارتش تو برآرد دمار
دلاور عقابان این کشورند
که قلب شیاطین روسی درند
دلیرند ویل شیرمردان ما
کزایشان به خون خفته سرخ اژدها
دلیرند آن پاسداران دین
که نازد به ایشان زمان وزمین
شجاع است آن ملت نامور
که افگنده اند درکرملن شرر

تارشی دلیل پیش کشیدن راه آشتی ازسوی روسها را اینگونه توجیه می کند :

چو اردوی سرخ تو ناکام شد
ذلیل وپریشان وبد نام شد
رهٔ صلح کاذب گرفتی به پیش
تنازل نمودی زاندازه بیش *
ولی قهرمانان سنگر نشین
نسازند با کفر واعدای دین
پس ای پای تاسر وقاحت کنون
دمی عقل خود را رهان ازجنون.

* عقب نشینی وانعطاف

بحثی پیرامون مثنوی مولانا جلال الدین محمدبلخی

دکتور شمس الحق آریانفر قسمت دوم

فرانکلین دین لوئیس دانشمند امریکایی درکتاب بزرگی که پیرامون مثنوی ومولانانگاشته، یاد آورمی شود:

« منظور مولانا از سرودن مثنوی بیان حقایق وتفسیر قرآن ومعارفی است که متفکران وعارفان مسلمان براساس این کتاب مقدس مطرح کرده اند. امامولانا آنها را درروی پوش داستان نهان می دارد.»

این یاد کردهای نماید که مثنوی عصاره وچکیدهٔ فرهنگ اسلامی، چراغ معنویت، نردبان آسمان معرفت، تفسیرقرآن ومعارف اسلامی است.

شاعر عارف سرایشگرالهام

انسان خلیفهٔ خدادرزمین است .انسان عارف بادرک این اصل، رسالت پیامبر گونه را درخود بیشتر احساس می کند. برای پیامبر وحی خدامی آید. برمبنای وحی خدایی، بیان پیامبر به قانون دستور و عقیده و حقیقت مطلق مبدل می گردد. پیامبر درمیان انسان و خدا، نقش میانجی و راهنما را به اساس وحی به دوش دارد.

« انسان عارف ،باالهام خدایی عمل می کند، ودرارتباط خدا وانسان ،نردبان عشق را بدست انسان قرارمی دهد. و شاعرعارف سخن وحی راازطریق الهام بیان می دارد. مثنوی عالی ترین نمونهٔ بیان کلام وحی درکلام الهام است.»

مثنوی شرح تفسیر آیات واحادیث

حضرت مولانا جلال الدین محمدبلخی می گوید:

مازقرآن مغز رابرداشتیم
پوست رابردیگران بگذاشتیم

این بیان خود بیانگر آنست که مثنوی شرح مفاهیم قرآنیست که پژوهندگان برآن صحه گذارده اند. گفته می شود:« مثنوی نوعی ازتفسیر قرآن است»

همینگونه پژوهشگران مسجل ساخته اندکه :

«تاثیرقرآن درلغات وتعبیرات وهم درمفاهیم مثنوی آن چنان بارز وهویدااست که مثنوی رایکی ازتفاسیر لطیف عرفانی قران دانسته اند. فهم درست مثنوی بدون شناخت رموز ولطایف قرآنی آن ناممکن است وفهم بسیاری ازتعابیر وآیات متبرکه نیز به کمک مثنوی بهتر صورت می گیرد.»

سیدجعفر شهیدی مثنوی رانه تنها تفسیر قرآن وحدیث که کلید حل مسایل پیچیدهٔ اسلامی می داند:

« درون آن (مثنوی) توضیح حقایقی است، عرفانی و تفسیری ازبعضی آیه های قرآنی یاحدیث نبوی، یاگشودن مشکلاتی چند ازمسایل پیچیده که قرنها پیش ازوی مورد بحث و مناقشهٔ دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان بوده است.»

گفتیم مثنوی تفسیرقرآن و حدیث است. نمونه های براین مدعا ازمثنوی می آوریم :

لو انزلنا هذا القران علی جبل الرایته خاشعاً متصدعاً من خشیة الله (اگر فرودمی آوردیم این قران را برکوهی (هر آینه) می دیدی آن را ترسنده ، پاره شونده ازخوف الله) (سوره حشر ، ۲۱)

مولانادر ابیاتی مثنوی این آیه را چنین تفسیر وشرح نموده است :

روستایی گاو درآخُر بست
شیر گاوش خورد وبر جایش نشست
روستایی شد درآخر سوی گاو
گاو را می جست شب او کنجکاو
دست می مالید براعضای شیر
پشت وپهلو ، گاه بالا ، گاه زیر
گفت شیرار روشنی افزون شدی
زهره اش بدریدی ودل خون شدی
این چنین گستاخ زان می خاردم
کو دراین شب گاو می پنداردم
حق همی گوید که ای مغرور کور
نه زنامم پاره پاره گشت طور
که لو انزلنا کتابا للجبل
لا نصدع ثم انقطع ثم ارتحل
ازمن ارکوه احد واقف بودی
چشمه چشمه ازجبل خون آمدی

مولانا تفسیر این آیت :« وقالوا مال هذا الرسول یا کل الطعام ویمشی فی الاسواق »(سوره فرقان آیه ۷)، درتوضیح آنانی که می گفتند : این چه پیامبری است که چون دیگر مردمان می خورد ودربازارها راه می رود ودرنتیجه پیامبر مثل دیگر مردمان است، (سوره فرقان ، ۷)

ادامه دارد

درحاشیۀ سخنان استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت



در هفته گذشته استاد برهان الدین ربانی رهبرجبهه ملی در مراسم یاد بود از بیست و پنجمین سالروز شهادت ذبیح الله شهید فرمانده جمعیت اسلامی افغانستان در شمال کشور، که در شهر مزار شریف برگزارشده بود، شرکت نمود و سخنرانی مشروحی ایراد کرد که، دراین نوشته به محورهای مهم آن سخنرانی اشاره می شود.

- استاد ارجگزاری بر افتخارات و ارزش های جهاد ومقاومت را بسیار مهم خواند.

جهاد و مبارزات ایثارگرانۀ مردم افغانستان در برابر تجاوز اتحاد شوروی که به منظور دفاع از آزادی و استقلال کشور صورت گرفت، افتخار بزرگ و صفحۀ طلایی در تاریخ کشورم می باشد. مردم افغانستان علیه اتحاد شوروی، قدرتی به پا خاستند که کشورهای زیادی را به اشغال خویش در آورده بود وسایه ترس خویش را بر همه جهان گسترده بود. مجاهدین افغانستان با دستان خالی دربرابر چنین قدرتی قیام کردند و توانستند با رشادت ها و قربانی های فراوانی آن را شکست دهند و زمینۀ استقلال ده ها کشور را مساعد گردانند.

در زمان جهاد مردم افغانستان بدون تبعیض درصف واحدی قرار گرفتند و سابقۀ قابل افتخاری برای وحدت ملی به میان آوردند.

استاد با اشاره به قربانی های مجاهدین گفت که ارجگزاری به قهرمانان و افتخارات ملی درهمه زمانه و درمیان تمام ملل جهان وجود دارد و دراین زمینه از بنا های یاد بود و تندیس های بزرگ در پایتخت های جهان یاد کرد.

استاد با ذکر آیاتی از قرآنکریم ارجگزاری به قهرمانان جهاد و مقاومت را یک وجیبۀ دینی خواند.

- استاد جایگاه ذبیح الله شهید را در میان قهرمانان جهاد مهم ارزیابی کرد.

جمعیت اسلامی افغانستان که درزمان جهاد ومقاومت نقش اساسی بازی کرد، مهمترین فرماندهان جهاد را به میان آورد. جمعت با در نظرداشت محدودیت های مدیریت و رهبری جهاد از کشور پاکستان، راهکار واگذاری صلاحیت و خودگردانی محلی را برای فرماندهان خویش در پیش گرفت و به آن ها صلاحیت های زیادی داد. این راهکار باعث ایجاد جبهات نیرومندی گردید.

جبهات جمعیت در حوزه شمالشرق، شمال، غرب و جنوب به عنوان بزرگترین و سازمان یافته ترین جبهات تبارز نمودند. فرماندهان بزرگ جهاد مانند احمدشاه مسعود، اسماعیل خان، شهیدذبیح الله و ملانقیب الله شهید، مربوط جمعیت اسلامی افغانستان بودند که آن ها مخصوصا مسعود شهید قهرمان ملی کشور در پیروزی جهاد ومدیریت مقاومت نقش اساسی ایفا کردند.

- استاد سیاست مخالفت با ارزش های جهاد ومقاومت را محکوم نمود.

شماری از عناصر در زمان جهاد با استفاده از به میان آمدن فضای همدردی با مجاهدین درسطح جهان، به کشورهای خارجی پناهنده شدند و در روزهای که مجاهدین با دادن قربانی های زیاد مشغول دفاع از وطن و مردم بودند، به زندگی آرام ومرفه خویش ادامه دادند.

با عادی شدن وضعیت این افراد به کشوربازگشتند و شماری از این برگشتگان چون درافتخارات جهاد سهمی نداشتند و روزی برای دفاع از وطن کاری انجام نداده بودند، با استفاده از حضور خارجیان صلاح را در این دیدند که باید علیه تمام افتخارات و ارز شهای جهاد به مقابله برخیزند و چیزی را که با آن بیگانه اند واحساس کمبود می کنند تخریب کنند.

البته شماری دیگر هم که در پهلوی متجاوزین شوروی قرارداشتند، منافع آن ها با این گروه همخوانی پیدا کرد ودر دشمنی با مجاهدین موضع مشترک اتخاذ کردند.

- استاد از مداخلات خارجیان شدیدا انتقادکرد

استاد با انتقاد از مداخلات خارجیان درکشور، اعمال نفوذ آنان را در تشکیل کابینه محکوم کرد.

واقعیت این است که برخلاف ادعاها و شعارهای که خارجیان میدهند و دم از پیاده کردن دموکراسی، آزادی بیان، و آوردن فعالیت های سیاسی می زنند، اگر نیک نگریسته شود، روشن می شود که خارجیان به عنوان نیروهای ضد دموکراسی و ضد آزادی عمل میکنند.

خارجیان از همان آغاز با زورنیروهای شان گروهی کوچک را بر مردم تحمیل کرده اند و با دسایس و شیوه های گوناگون از جمله انتخابات قلابی، می خواهند این گروه را که روز تا روز محبوبیت خود را در میان مردم از دست می دهد همچنان سر قدرت نگهدارند.

با چنین دیدگاه می توان اکنون نیروهای خارجی را نیروهای اشغالگر که جلو آزادی و دموکراسی را گرفته است، حساب کرد.

ایجاد بستری برای زدودن ارزش های دینی و فرهنگی جامعه و جا به جای آن با ارزش های وارداتی و بیگانه نتیجه دیگر حضورنیروهای خارجی در کشور است.

- تکیه بر امکانات وابزارهای داخلی در جهت تامین امنیت

استاد در مسأله تامین امنیت وتحکیم پایه های حاکمیت دولت تاکید کردند که باید به امکانات و ابزارهای داخلی و بومی تکیه شود، از نظر استاد خارجیان از نقش انگیزه و عوامل دینی و فرهنگی درایجاد ثبات وامنیت و تقویت دولت غفلت دارند. آن ها دراین زمینه تنها می توانند به تاثیر گذاری امکانات مادی وجنگ و جنگ افزار بیندیشند. اما هرچه که پول مصرف می کنند و سرباز می فرستند و استراتژی می سازند و باز آن را تغییر می دهند، نیجه ملموسی از آن بدست نمی آورند.

استاد در این زمینه به تجربه مجاهدین اشاره کرد که چگونه آن ها با امکانات اند ک و با دست خالی توانستند دشمن را به زانو درآورند و امنیت را تامین کنند.

استاد در پیوند با این موضوع کنار زدن مجاهدین از نیروهای مسلح را یک اشتباه بزرگ خواند.

- استاد از سیاست های دولت به شدت انتقاد کرد

استاد دراین زمینه از تشکیل کابینه یادآوری نمود، وی گفت حکومت کنونی بر اساس انتخابات به میان نیامده است وحق ندارد ادعای مشروعیت نماید وبگوید که چون انتخابات را برده است حق دارد قدرت را میان عناصر طرفدارش تقسیم کند، استاد گفت لازم بود درچنین شرایطی، یک ادارۀ وحدت ملی ایجاد می شد و ۳۲ در صدد رای دهندگان که درانتخابات از نامزدی مخالف یعنی داکترعبدالله حمایت کردند در نظر گرفته می شدند. استاد سیاست حکومت را سیاست انحصارگرایانه خواند و بر پی آمدهای آن هشدارداد. استاد انحصارگرایی را یکی از مشکلات اصلی کشور خواند و گفت تا زمانی که این سیاست اشتباه آمیز کنار گذاشته نشود، مصرف ده ها میلیارد دالر دیگر هم نمی تواند درکشور ثبات بیاورد.

وی گفت با آنکه اپوزیسیون تمایلی برای شرکت در این حکومت فاسد ندارد، اما، آنچه که ما از آن تا رضایتی داریم، سیاست انحصارگرایی و نادیده گرفتن دیگران است.

استاد با اشاره به حساس بودن وضعیت کشور، به حکومت هشدارداد که متوجه سیاست ها و عملکردهای خویش باشد و از دست زدن به سیاست ها و برنامه های مانند انحصارگرایی و حذف دیگران که به وحدت ملی و به وضعیت شکننده کنونی آسیب می رساند جدا خود داری کند.

تهاجم قانونی غرب درکشورهای اسلامی

سیدعنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل / قسمت دوم

که موافق به قانون "استعداد وقابلیت" و محکوم به عوامل متعددی است که در ضعف و فروپاشیدگی وجمود بحیث عوامل ذاتی و اصلی و انفاذ قانون "قوت" هنگام فراهم بودن شرائط آن به حیث عامل بیرونی تمثیل می شود...

با درنظرداشت حقیقت فوق، اسباب این تهاجم قانونی را می توان به اسباب داخلی و خارجی تقسیم نموده تا معلوم شود که کدام یک از این عوامل - علی رغم این که دربرخی موارد با هم متداخل می باشد- از نگاه تاثیر ونفوذ، در ایجاد پیامدهای منطقی مطابق به قاعده " کسی ذلیل شد ذلت پذیری برای وی سهل خواهد بود" اثرگذارتر و عمیق تربوده است.

اسباب این تهاجم قانونی را می توان در دو محور ذیل در محراق توجه قرار داد:

اسباب داخلی عبارت از آندسته عواملی است که انکشاف و تحول جامعه اسلامی را دچار توقف وایستایی نموده و تخم حیرت زدگی، تشویش، عجز وناتوانی و لجام گسختگی را در آن کاشت و از آن جامعۀ ساخت با قابلیت خضوع و آماده قبول سلطه خارجی. زیرا سلطه و غلبه زمانی در یک ملت اثر گذار است که فروپاشی داخلی وشکست روحی و عجز وناتوانی از مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن در پیکر آن ریشه دوانیده باشد، همان گونه که یک جسم زمانی شکار مرض وبیماری می شود که مقاومت آن رو به کاهش نهد.

حضرت علی این حقیقت را در پاسخ خود به پرسشی در مورد سبب پیروزی او بر دشمنانش چنین تمثیل نموده و گفت:" زمانی که من به سواری حمله می کردم گمان داشتم من قاتل او هستم پس من و شخص دشمن در برابر او قرار داشتم"

از همین جاست که می توان به این حقیقت پی برد که تاثیر عوامل داخلی نسبت به عوامل بیرونی در فرهنگ اسلامی به صورت کل، به ویژه در تشریع اسلامی قوی تر بوده است، تشریعی که خود گویای سطح تمدنی دولتی بوده است که در سه قرن اولی توانست در حد بالای به نیازمندی های جامعه اسلامی روبه انکشاف پاسخ گوید. جامعۀ که افتخار ظهور مکاتب فقهی و روش های اجتهادی را کمایی کرده و نیازهای دولت اسلامی را از ناحیه تشریعی و قانونی به گونه کامل پاسخگو شد و از واقعیت های موجود جامعه درعرصه های قانون به کرانه های مستقبل و آینده قدم گذاشته و فقه افتراضی و تقدیری را اساس گذاشت.

مگر این نهضت و رنسانس علمی و تشریعی یا تقنینی با آن عزم و همتی که آغاز گردیده بود استمرار و تداوم نیافت واز مسیر و منهجی که داشت پا به بیراهه گذاشت که درمرحله نخست تاثیر بزرگی را در نابودی هویت اسلامی بجا گذاشته ودر مرحله دوم فکر و فرهنگ آن از این جریان اثر پذیرفت و درمرحله سوم منجربه آن شد که از عرصه تطبیق کنار رود و قوانین غربی جاگزین آن شود.

بدون شک تحول وعقب گرد تمدنی که دامنگیر امت اسلامی گردید زاده همان لحظه و عصر معین نبوده بلکه پیامد عواملی سلبی داخلی متراکمی بود که منجر به فروپاشی اجتماعی، سیاسی، و علمی گردید به گونه که در اثر آن دچار انحطاط شدیم انحطاطی که همین اکنون ادامه دارد.

از آن جا که عوامل وضع اسفبارکنونی ما زاده عوامل زیادی می باشد، ما دراین جا به ذکر برخی عوامل اساسی بسنده می کنیم. و اما عوامل دیگری که در این وضع موثربوده اند، یا درضمن همان عوامل اساسی به آن ها اشاره خواهد شد عواملی اند که می توان آن ها را بر پیامدهای عوامل شده به حساب وضع امروزی مسلمانان را تحت عناوین سه گانه ذیل می توان به بررسی گرفت.

الف– انحطاط اوضاع سیاسی

ب– تقلید–

ج– تعامل و برخورد نابخردانه با داده های تمدن جدید غربی

اینک عناوین سه گانه فوق را در محراق توجه قرار داده و به تشریح هریک می پردازیم: **ادامه دارد**

د ولسي جرګې د غړو د پاملرنې وړ:

نوماند وزيران اود باور رايه

رفيق بحر



د هيواد ولسمشر ولسي جرګې ته د باور رايې اخستلو لپاره تر دامهاله د بهرنيو چارولـه وزارت پـر تـه نـورو ټولـو وزارتونو ته وزيران و نوموړ خوبکي له نيمايي زيات د زړې کابينې غړي دي، هغه کابينه چې په مجموعي توګه د هيواد په تاريخ کې له ټولو نا کامه کابينه ګڼل کيږي، ځکه ز موږ ټول ولس ته جوته ده چې په زړه کابينه کې لـه دوه در يووزيرانو پر ته پاتې ډېره برخه يې هما غه ناچله کار توس دي چې ولسمشر کرزي ورڅخه کار وانه خستې شو. نونه پوهيږو چې ولسمشر کرزي ولې بياهم دوې دولس استازوته وروپيژندل څو دباور رايه ورکړي؟!

که چيرې وايې چې بهرني فشارونه دي نو بهرنيان خوپخپله زړه کابينه ناکامه او په اداري فسادونو کې ښکيل ګڼي نو معلوميږي داسي چې د ولسمشر لپاره د انتخاباتي کمپاين په دوران کې د دغو وزيرانو د هيروکارانه کردار و نو مجبور يت دی چې بايد کرزی يې بياهم وزيران و ساتي. او د افغان ولس په سترګو کې ښه په ځغرده خاوري وشيندي. ځکه دريم (او په حقيقت کی څلورم) چانس هسې هم نلري چې د ملت له محاسبې ووېريږي. وس چې کرزي صاحب توپ د ولسي جرګي ميدان ته و تو غاوه نو د ا د ولسي جرګې د غړو اسلامي او ملي رسالت دی چې سپين او تور پکې و پېژني او هغه جاته د باور رايه ورکړی چې سر کې په سلامي او ملي ارز ښتونو ختلی او سي او يا هيواد او ولس ته وفادار اوسي. او هغه جاته د باور رايه ورنکړي چې لاتراوسه يې پل بريف کيسو نه په غير نيولي او په فغان ولس کې د وزارت مقام ته درسيد لو سره هم په دوهم تابعيت (بهرني پاسپورټ) لرلوتينګار کوي. څوله چړچو

وروسته بېرته هغه هيواد ته ستون شي چې د کوم هيواد د ګټو او ارزښتو نو د ساتلو لوړه او يا عهدېې د تابعيت اخستلو په مهال کړی دی.

او هم د نوماندو وزيرانو وړتيا او سابقه په نظر کې ونيسي او د وزيرانو په مطبوعاتي کنفرانسونو او تلويزونونو کې يې په څليدلو او د دروغو په لاپوتېرنه وځي.

(د مثال په توګه په زړه کابينه کې د عامې روغتيا وزير و تلل شي چې نوموړيي يوازې WHO له واکسين پرته ولس ته د روغتيا په لړ کې کوم لتوته برابر کړيدي؟ آيا د نوموړي په وزارت کې په ټول هيواد کې دوينې د کراسمچ کولو او سره کروات له پېښو کړو تو جلاکوونکی کوم ماشين (چې بيه يې يوازې پنځلس لکه افغانی کيږي) د هيواد په کوم يو روغتون کې، ان تردې چې د (وينې په مرکزي بانک) کې برابر کړيدی؟ څو ترې په هيواد کې په زرګونو په تيلسيميا او هيمو فيليا ناروغيو مبتلاء ز موږ د هيواد معصوم کوچنيان ناروغان - چې د خپلو والدينو د ځګر ټوټې دي- کراسمچ شوې وينه واخلي او پلرونه او ميندې- يې په مياشت کې د دوه درې خلو لپاره د وينولاسته راوړلو لپاره د پاکستاني او ايراني پوليسو د ترحم (!) لاندې رانشي

خوتـل لپاره د WHO په واکسين پروګرام شخوند و هوتکی و زير به هم ښايي له ولسي جرګې نه د باور رايه واخلي. هغه چې نه يې پخپله وزارت د تيلسميې د ناروغانو ستونزه حل کولای شي اونه د سرې مياشتې سره په تعاون دا کارکوي. او نه هم بل چاته اجازت ورکوي چې د دغو بېوزلو ما شومانو ناروغانو او د هغوې د والدينو ستونزه حل کړي)

همدارنګه له هغو وزيرانو بايد و پوښتلي شي چې د خپلو وزارتونو په چوکاټونوکې ورسره له خپلو ګوندي ملګرولـه پاللو پرته بل کوم پروګرام نشته او چې په تيرو اتو کلونو کې کرزي صاحب هر وزارت ته ورانديې کړيدي نود پښتو پالنې د نامه لاندې يې خپلې ګوندي ګټې خوندي ساتلين او يالـه هغو وزيرانو څخه و پوښتل شي چې د وزارت په چوکاټ کې يې د شهيدانو د اولادونود روزنې او ښوونې لپاره جوړ دارالايتامونه رنګ شو، لکه په جلال آباد ښارکې د شهيد مولوي حبيب الرحمن دارالاءيتام ولې رنګ شو؟ وزيران خو بايد نورې اداري جوړې او زړې لاپسې پياوړې کړي. همدارنګه د هيواد په مختلفو ولايتونو کې د طالب په نوم علماء او مجاهدين د کوم وزارت په چوکاټ کې نيولی کيږي؟ او توهينږي ؟ پدې بايد زموږ وکيلان و پوهيږي؟ چې دا ډول قهرماني (!) د چاکاروي؟ او يا د هغسو وطن پلو رونکو ياونې چې تل - يې د هيواد په غازيانو بمباري، کولې او نن د دولتی تشريفاتو په بدرقه کې- يې تش په نامه جسددونه د اتلانو (!) په نوم د يو سياسي مانور په توګه بيې دفن کيږي (!!) هغوې چې د هيواد نابغه پچيان او پوهان او ز موږ په زرګونو په هيوادمين او متدين و ګړي او علما يې ژوندي له خاورو لاندې کړل او په سلګونو ززويې نور شهيدان کړل، اوس نو د هغوې پدې اسلامي دولت کې دربنست کيږي (؟!)

بايد په ولسي جرګه کې زموږ د ولس استازي خپل اسلامي او ملي رسالت تر سره کړي او هغه خلک د باور رايې اخستلو ته پرېنږدي چې لاتراوسه: جهاد او اسلام په ارزښتونو لوبې کوي.

چالش های تفتیش و بررسی در افغانستان



احسان نکته دان

قسمت دوم

اما به نسبت عدم موجودیت یک هماهنگی درست بین این واحد های بررسی و عدم تبادل تجارب وآموزش های مسلکی ونبود یک استراتیژی در زمینه تا هنوز این چالش ها به جای خود باقی است. تا هنوز ملاک های رتبه بندی وپذیرش وهمچنان نظارت کیفی اعضا در نظر گرفته نشده است. بناء نیاز مبرم دیده می شود که تمامی اعضا در اعتلای خدمات حرفه ای وهمکاری وهمفکری آموزش وهماهنگی در راستای رفع نیاز افراد حرفه حساس مسؤولیت نموده جلسات اختیاری ومستمر را در خصوص مسایل حرفه ای وآموزش به صورت خود جوش وگروهی طی عـر دوره معین، به صورت گفتار های طرح ساله وحل مساله در مکان مشخص شده ای شکیل دهند تا به تقویت این نظام کمک شود.

۵- چالش اجراءات سنتی در دنیای ریسک ا وسیستم های اطلاعاتی وشبکه های ارتباطی وین:

افغانستان که از سالها به این طرف امنگیر جنک های تحمیلی است در همه امور ه مالی وچه غیر مالی به عقب افتیده است. در رصه های مختلف، اگر دقت به خرج دهیم، یده می شود که از همان شیوه های کهن الها قبل کار گرفته می شود. از جمله این رصه ها می توان تفتیش وبررسی را نام برد ه همان پروسه های سابق به کار برده می ود. در حالی که در کشور های دیگر به ویژه شور های انکشاف یافته بحث تفتیش و سابرسی مستمر وحسابرسی کامپیوتری بکه ها... مطرح و در حال انجام است.

اما ما در حال تیک زدن وتهیه فورم های سابداری به سیاق سالهای دور هستیم. این ضوع به کم بودن حجم آموزش ومطالعه در فه واز طرفی به ضعف کلی اقتصاد دلالت کند. به هر حال ما از حرفه به نسبت آنچه که در کشور های پیشرفته در جریان است عقب هستیم واین نیاز به پشتکار وصرف هزینه های زیادی دارد که ممکن است بخشی عمده از این هزینه آن را دولت مجبور به پرداخت شود.

٦- چالش گزارش تفتیش مبهم وبدون ارایه ریسک ها وراه های حل آن

نتیجه وما حصل همه آنچه که برای تفتیش یک واحد مطلوب است، از آغاز کار تفتیش در قالب برنامه ریزی واجرا گرفته تا انتهای آن که پایان اجرای عملیات تفتیش وبررسی است به منظور تهیه گزارش در خصوص نتایج عملکرد ووضعیت مالی وغیر مالی واحد بررسی شونده به منظور استفاده افراد ذیربط است. لذا آنچه که در این گزارش انعکاس می یابد بایستی موجبات شفافیت بیشتر ریسک ها وتهدید هایی را که اداره یا سازمان با آن روبرو است، فراهم آورد ونه اینکه ابهام را افزایش بخشد ونظریات مشخصی در خصوص وضعیت مالی ویا غیر مالی، حتی به صورت ضمنی هم ارایه ندهد. پس لازم است که در شیوه ومحتوای گزارش تفتیش کنونی، که چه چیزدر آن گنجانیده شود وچگونگی آنچه که باید وآنچه را که نباید، طرح ریزی مجدد کرد تا بدین وسیله ضمن تعریف کلی فرایند تفتیش از ابتدا تا انتها، مدل جدیدی از گزارش که پاسخگوی نیاز های استفاده کنندگان از گزارش تفتیش است فراهم شود.

۷- چالش پراگندگی ها وبی نظمی در واحد های تفتیش وبررسی

گرچه در آغاز سخن یاد آور شدیم که بعد از حضور یابی نیرو های جامعه جهانی وآمدن حکومت دیموکراسی در کشور به تعداد واحد های تفتیش وبررسی افزایش قابل ملاحظه ای به عمل آمد که تقریبا اکثر وبیشتر ادارات واحد های تفتیش داخلی را ایجاد نمود تا خودشان به وسیله همین واحد های تفتیش داخلی خویشتن وارد عمل شده امور مالی وغیر مالی خود را ذریعه آنها بررسی نمایند. این پراگندگی وعدم هماهنگی بین واحد های تفتیش داخلی ادارات دولتی باعث شده است که کار تفتیش وبررسی در نزد مدیران وحسابداران ادارات یک عمل فاقد اهمیت پنداشته شده به گزارش های ایشان کدام ارج نهاده نشود.

این واقعیت را نیز باید پذیرفت که کیفیت کار این واحد ها تضمین نخواهد شد وآموزش های حرفه ای مستمر به بن بست خواهد رسید. بسیاری از چالش های پیش روی حکومت با ادغام این واحد ها ویا مرکزی ساختن آن حل خواهد شد. بنابرین حکومت به جای ایجاد نمودن واحد های کوچک بررسی در هر اداره باید به ادغام آنها و تعیین فرمول های مناسب تفتیش وبررسی اقدام ورزد. ما نیاز به تفتیش داخلی در اداره های بزرگ وتمرکز بخشیدن آنها داریم. واین وضعیت فعلی حاکم بر ادارات با تعداد واحد های تفتیش متعدد راهی به اعتلای حرفه تفتیش نخواهد گشود ومشکلی را حل نخواهد کرد وعملا باعث خواهد شد که ادارات دست به رسیدگی های شخصی بزنند وصورت های مالی خویش را طور دلخواه وانمود سازند. این پیشنهاد ادغام ویا مرکزی نمودن واحد های تفتیش باید از طریق حکومت جدی تلقی شده تا رسیدن به تصمیمی سریعا در برنامه کار حکومت قرار گیرد. ودرطی یک دوره برنامه ریزی شده این کار جامه عمل پوشد.هر چند زیر بنای تفتیش را استقلال تشکیل می دهد اما این امر در ادارات دولتی شکل واقعیت را به خود نگرفته است واگر این پیشنهاد جامه عمل به تن کند این مشکل تا حدی حل خواهد شد.موضوع استقلال در قسمت دوم این مقاله بحث خواهد شد.

ب – چالش های بیرونی

در قسمت نخست این مقاله به طور فشرده پیرامون چالش ها ومسایل حرفه تفتیش وبررسی که از درون حرفه تفتیش ناشی می شد بحث صورت گرفت.

ادامه دارد

متن بیانیهٔ استاد عطامحمدنور والی بلخ



تصمیم می گرفت ومردانه ایستاد می شد.دربرابر دشمن چون کوه استوار ودر مبارزات خود عزم قاطع وراسخ داشت. برازندگی های شخصیت استاد جسارت، متانت واخلاص به مردمش بود، چنان مردم خود را دوست داشت که همیشه به جوانان خود توصیه می کرد که مردم را اذیت نکنید. مردم را فشار ندهید، ازمردم باج نگیرید جهاد را در نزد مردم لکه دار وبدنام نسازید.

می گفت:(مردم مانند آب است ومجاهدین مانند ماهی) اگر آب را بگیرید ماهی هلاک می شود، این مثال همیشه در ذهن ما در دوران مبارزات بود وهمیشه دریادم می آید.

دوستان عزیز! حرف ما این است که گرامی داشت ازیک شخصیت، تجلیل ازیک سپه سالار، وراه اندازی یک محفل برای یک روز وچند روز کافی نیست، بسیار مهم هم نیست، مهم این است که ما صداقت، شجاعت ودلاوری شان و خدمت شان وزندگی شان را سرمشق خود بسازیم. از کار کرد ها وحماسه های آنها درس بگیریم و به مردم خود خدمت بکنیم.

دوستان عزیز ما دردهه اول جدی قرار داریم که مصادف است به سی امین سال هجوم شوروی وقت این هجوم سر آغاز روزگاران سخت وتلخ و نکبت بار برای مردم افغانستان بود که باگذشت سی سال هنوز اثرات وبدبختی های این تجاوز باقی مانده است ومردم ما به شانه های خود این همه مصیبت ها را بدوش می کشند.

در جریان سال های جهاد این ملت یک ونیم میلیون قربانی به پیشگاه خداوند تقدیم کرد، بیش ازپنج ملیون انسان به کشورهای مختلف مهاجر شده وخانه ودیار خود را ترک کردند.

درنتیجهٔ این قربانی ها، درسال ۱۳۷۱ کشور آزاد شد، اما متأسفانه ثمره خون وبهای فرزندان وطن درفردای پیروزی به بیراهه کشانیده شد. حلقاتی در تبانی مستقیم استخبارات کشورهای بیگانه،حرکاتی را به راه انداختند که افتخارات مردم ما را خدشه دار ساختند.

ولی با آن هم جهاد پیام آزادی واستقلال را برای افغانستان داشت، ازبرکت خون وشهادت وتحمل مصیبت ها مجاهدین وملت باغیرت آزادی ومصونیت به میان آمد، ولی متأسفانه کسانی بودندکه این فرزندان دلیر وفداکار وخدمتگذار این کشور را جنگ سالار لقب دادند، خائین لقب دادند وناقضین حقوق بشر لقب دادند.

اگر زحمت کشی وفداکاری های این راد مردان نمی بود، اگر این استقلال را این ها حفظ نمی کردند وبه بهای خون شان به میان نمی آوردند، ، امروزاین آزادی که داریم هرگز وجود نمی داشت.

امروز کسانی که به اریکه قدرت تکیه زده اند به وزرات رسیدند، به چوکی رسیدند، مرهون خون فرزندان صادق این کشور استند.

برای دنیا می گویم که این خواب آرامی را که امروز در غرب دارند، ازبرکت میله تفنگ جهاد گران واقعی این کشور است.

مردمی که آزادی را آوردند ازوطن خود دفاع کردند، کشور را نجات دادند، امروز حق شان است که کشور شان مصون باشد، امن باشد، کشورعاری ازفساد اداری عاری ازباند های ما فیای اقتصادی وکشور عاری از مواد مخدر باشد.

مردم این منطق را دارند که ببینندکه کی دراین کشور خدمت می کند وکی خیانت می کند، مردم این منطق را هم دارند که کابینه خود را ببینند که این کابینه با چه ساختار ساخته شده است کی از کدام تبار است وعدالت اجتماعی چقدر تأمین شده وچه تعدادی از انسان های کارا وکارکشته دراین کابینه حضور دارند.

دوستان عزیز! آنچه که بسیار مهم است برنامه خوب وداشتن پلان دقیق برای افغانستان ویران وجنگ زده می باشد، افغانستان که به بهای خون هزاران فرزند فرزانه اش مثل مسعود قهرمان مثل ذبیح خدا، مثل استاد مزاری عبدالحق شهید را ازدست داده است ضرور وحتمی است.

متأسفانه امروز باز فقر در کشور بیداد می کند. این کشور وقتی کشور می شود که رهبری فعال، کابینه فعال وبرنامه های خوبی برای کار کردن داشته باشد.

ازنطقه نظر امنیتی تازمانی که اردو ملی وپولیس ملی ما تقویت نشود وتجهیز نشود با توجه به خطرات موجودتأمین امنیت در کشور ناممکن است.

من مخالف ازدیاد قوت های خارجی درکشور هستم، به این نظر هستم که باید از حضور نیروهای موجود استفاده اعظمی صورت گیرد، بیشتر توجه به تجهیز قوای خود ما مبذول شود.

تا به کی دنیا این را قبول می کند که پولش مصرف شود، فرزندش کشته شود ودست آوردهم نداشته باشد. اگرهمین لحظه خارجی ها درکشور نباشد، ما دیگر صاحب نظامی نخواهیم بود وافغانستان مرکز تروریزم و مافیای مواد مخدر خواهد بود.

امروز اگر مبارزه دربرابر مواد مخدر صادقانه انجام می شد، ما در دنیا به عنوان تولید کننده اول در مخدرات معرفی نمی شدیم، هشت هزار نیروی خارجی جمع هزاران نیروی داخلی درولایت هلمند، کشت تریاک چند برابرمی شود، قاچاق چند برابر می شود ونا امنی ها چند برابرمی شود.

درجاهای که ظرفیت وجود داشته،توانمندی اداره وجود داشته، بدون شک امنیت هم نسبتاً خوب بوده تریاک هم محو شده وکارهای مهم ملی هم صورت گرفته که ولایات زیاد در کشور است ونمونه آن ولایت بلخ است.

با تأسف که برنامه های کاری دوستان خارجی ما در تطابق ظرفیت های موجود نیست وآنها پالیسی های ناکام را تعقیب می کنند.

دوستان عزیز! همان طورکه گفتم دههٔ اول جدی برابر است با سالروز اشغال قوای شوروی درکشور، بازهم همین دهه برابر با دهم ماه مبارک محرم است که امروز در ششم آن قرار داریم.

روز عاشور نزدیک است، عاشورای حسینی، اهل بیت حضرت محمد (ص) ونور چشم حضرت علی (ع) آنها با فداکاری وجان نثاری که کردند یک درس ویک مکتب را به تمام انسان های آزاد به یاد کارگذاشته ومن این روز را به تمام شما تهینت عرض می کنم.

امیدوارم روز عاشور پرشکوه تر تدویر شود، تا صفوف مان منظم تر عمل کند وپاسخی باشد برای دشمنان اسلام.

درطی چند سال اخیر تجلیل از حضرت امام حسین دربلخ باستان با اشتراک تمام مسلمانان بدون کدام حادثه دلخراش صورت گرفته است وامسال هم توقع داریم که، با همان عظمت وشأن شوکت که لایق به شخصیت شهدای دشت کربلا است برگزار شود و موفقانه به پایان برسد.

ما اختلافات مذهبی خود را کنار بگذاریم تا وحدت ما به نمایش گذاشته شود.

یک بار دیگر شهادت جان گداز استاد ذبیح الله شهید را وکسانی را که با او یک جا شهید شدند به تمام خانواده های شان وبه حاضرین تبریک و تسلیت عرض می کنم.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

د بهرنیانو ترهګر...

ورسیږی، خو دبهرنیانو ترهګریز عملیات ددی لامل ګرځی چې دخلکو کرکه له بهرنیانو او دهغوی ترملاتړ لاندې جوړ شوي حکومت نه ورځ په ورځ زياته شي چې پايله يې که وغواړو يادونه غواړو د طالبانو په ګټه دي.

همدارنګه بهرنی رسنی داسی رپوټونه خپروی او زمونږ رسني هم ددي رپوټونو عسکونه او فيلمونه خپروي چې په هغی کې دطالبانو واک، عدالت او انصاف په ګوته کيږي!

په عکس او فلم کی ښودل کيږی چې په اطرافو کی سیمه ایزو چارواکی یا خو واک او تسلط نلري او یا دا چې کړنی يې له ظالمانو او غاصبانو په ګټه کی ده او مظلومان دې ته اړکيږی چې طالبانو ته مخه کړی او هغوی نه مرسته وغواړی!

طالبان حق، حقدار ته سپاري او دجبرانو او غاصبانو د ظلم نه مخنيوی کوي!

نو که چيری بهرنيان غواړي چې افغانستان نه ووځي او واک طالبانو ته وسپاري نو خپلو دې ناروا کړنو ته دوام درکړي ځکه چې دافغانستان خلک دي ته اړکيږي چې دبهرني يرغل او ترهګري پرځای، کورنی جبر اوترهګري ته غاړه کيږدي.

حکومت مشارکت ...

درست است که معاون اول و یکی دو وزیر و معین در جریان انتخابات، راه دیگری در پیش گرفتند و با تصمیم و سیاست جمعیت همراهی نداشتند، ولی تا کنون در مورد عدم انتساب شان به جمعیت به صورت رسمی کدام تصمیمی اتخاذ نگردیده است.

۱- حکومت مایملک یک شخص، یک خانواده ویا یک حزب (در دموکراسی ها) نیست و خواهی نخواهی افراد احزاب مختلف مختلف در حکومت ها در سطوح مختلف حضور می داشته باشند، هرچند عضویت و یا انتساب شان به احزاب، به صورت پیدا و یا پنهان باشد.

۲- سهم وحضور درحکومت در هر سطح، حق ما است، سهم وحضور به معنای دریافت کدام امتیاز نیست. بلکه افراد شایسته، متخصص و تحصیلکرده را به پیمانه وسیع در اختیارداریم که می توانند در ساحات مختلف مصدر خدمت شوند و درگذشته نیز امتحان خوب داده اند. همچنان در انتخابات ریاست جمهوری که هر چند با تقلب برگزارشد. شرکت فعال داشته و نتایج قابل توجهی به دست آوردیم که با در نظرداشت مشکل مشروعیت یک با ردیگر باید گفت که سهم و حضور مخالفین به نفع آقای کرزی بوده است و می تواند او را از این مشکل و بن بست رهایی بخشد.

دارالانشای جمعیت اسلامی افغانستان

هفته نامۀ

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارۀچهلم ۱۲ جدی– ۱۳۸۸ – ۱٦ محرم الحرام ۱٤۳۱ 2- January 2010

متن بیانه استاد عطا محمد نور والی ولایت بلخ به مناسبت ۲۵ مین سالروز شهادت استاد ذبیح الله شهید فرماندۀ نستوه در بلخ



بسم الله الرحمن الرحیم

جلالت مآب محترم رهبر جهاد ومقاومت استاد برهان الدین ربانی، هیئت معیتی شان، وکلای محترم رئیس محترم شورای ولایتی همسنگران ذبیح الله شهید، سران واعضای محترم احزاب سیاسی وجهادی خواهران وبرادران، موسفیدان، شارژدا فیر محترم کشور دوست وبرادر تاجیکستان!

السلام وعلیکم ورحمه الله وبرکاته

نخست تشریف آوری رهبری جهاد ومقاومت دانشمند عالی ورئیس جمهور پیشین کشورمان را به حضور شما عزیزان خیرمقدم عرض می کنم

دوستان عزیز بست وپنجمین سالروز شهادت جانگذار ذبیح خدا را به همه شما عزیزان .به پیشگاه رهبر عالی "قدر به خانوادۀ محترم شان به مجاهدین وهمسنگران تبریک وتسلیت عرض می کنم.

امروز تجلیل وبزرگداشت ازیک شخص نیست، امروز تجلیل وبزرگداشت ازحماسه است. امروز تجلیل وبزرگداشت ازقهرمانی وفدا کاری است ازتقوی ومتانت ومردانگی است.

امروز تجلیل وبزرگداشت ازکسی است که در راه خداوند نه تنها صادقانه رزمید بلکه خونش را فدا کرد واین صفات نهفته درشخصیت استاد ذبیح الله شهید بود، او مردانه ایستاد ومردانه رزمید و مردانه شهید شد.من او را خوب می شناختم همسنگر او بودم وافتخار سرباز بودن و مجاهد بودن او را داشتم. استاد ذبیح الله شهید مرد با تقوی، متواضع غیور وجسور و ثابت بود،

او ملتش را دوست داشت کاری را که مشروع میدانست ادامه درص۷

دبهرنیانو ترهګرۍ



خپاند

هغه بهرني هیوادونه چې په افغانستان کې لښکرې لري، ځان ته دمتمدنې نړۍ استازي وایي دوي دا دعوه لري چې بشري حقوقوته درناوی کوي، انساني ارزښتونه په پام کې ساتي، دامن او هوسایي لپاره کارکوي، افغانستان کې د ترهګرۍ په خلاف جګړه کوي او ترهګر له منځه وړي او....

خو په تیره اوه نی کی دتیرپه شان، په کونړونو او لوی پکتیا کی یو لړ ترهګریز عملیات د دوی له خوا تر سره شوه چې د ټولو افغانانو دغم او غصی اوسخت غبرګون سره مخامخ شو.

په ځینو ولایاتو کې غونډې او مظاهری هم وشوې...

که په ارزګان کی د دینی مدرسی هلکان وژل کیږی او پړه یی پرطالبانو اچول کیږی، نو په کونړ او پکتیا کی چې بهرني پوځیان د خلکو پر کورونو باندی برید کوی، هغوی له کوره باسی او بی دریغه پرهغوی باندی ډزی کوی، نوا ترهګري نه دي؟

هغه عسکر چې دترهګری پرخلاف د جنګ لپاره راغلي او دعوه لري چې دافغانانو ژوند خوندی کوی، دوی ته سوله راولي او دترهګروځالې ورانوی، خو په عمل کې دوی هم داسې کارونه کوی چې ورته بهرنی ترهګری ویلی شو!

د دوی دا مذموم او ناوړه کړنې، ټول دترهګرو په ګټه دي او هغوی ته تبلیغاتی خوراک برابروی!

القاعدی او طالبان خودا دعوه لري چې بهرنیان چې دافغانانو د مرستې لپاره ندی راغلي . دوی غواړی چې دافغانانو پرعقیدې، خاونره او ننګ او غیرت باندی تیری وکړی اوافغانان ووژني

داچې دا بهرنیان پر له پسي خلک قتلوي. دخلکو پرکورونو حملې کوي او د بې ګناهو خلکو د وژنې له املکه دخان پرخلاف. خلک پاروي نو سوال دادی چې دوي غواړی ترهګر ختم کړي یا دترهګریزو عملیاتو په تر سره کولو غواړی هغوی غښتلي کړي؟

دافغانستان خلک نه غواړي چې دطالبانو ملاتړ وکړي او هغوي نن واک ته باقي په ۷ مخ

جواب نامۀ وارده

حکومت مشارکت ملی!

نامۀ از برادر محترم ادریس از سیدنور محمد شاه مینه در ارتباط به حکومت مشارکت ملی، و تلاش های که گویا میان جمعیت و حکومت به منظور سهم گیری در کابینه وجود داشت به ادارۀ هفته نامۀ مجاهد رسیده بود که ادارۀ مجاهد آن را به دارالانشای جمعیت اسلامی افغانستان ارسال داشت دارالانشا در زمینه پاسخی فرستاده است که به نشر می رسد.

بحث شرکت در حکومت از سطح ماموریت تا وزارت، یک امر معمول و عادی است. احزاب و گروه های سیاسی زمانی در حکومت ها شامل و زمانی از آن کناره می گیرند.

در بارۀ بحث مشارکت ملی و سهمگیری جمعیت اسلامی در حکومت جدید، موقف و موضع جمعیت، کاملاً روشن بود ه ودر نوشته ها و مقالات و سرمقاله های هفته نامۀ مجاهد به نشر رسیده است.

رهبری جمعیت اسلامی طی سفر به مزار شریف و ابراد سخنرانی ها و انجام مصاحبه ها، موضوع را روشن تر ساخته و نقش و مداخلۀ خارجی ها را در امر ترکیب و تشکیل کابینه، شدیداً نکوهش کرده اس. به صورت کل، در همچو موارد دید و سیاست همیشگی جمعست اسلامی را می توان چنین خلاصه نمود:

۱– جمعیت اسلامی همیشه از افراط گرایی و تنگ نظری پرهیز کرده و بیشتر از همه به مصالح ملی، امنیت و آرامش عامه توجه داشته است.

۲– شرکت و رقابت در انتخابات ریاست جمهوری یک امر کاملا قانونی و ازحقوق مسلم ما و هر افغان دیگر است. این انتخابات برنده نداشت و هیچ یک از نامزدان نتوانستند آرای لازم را بدست آورند. انتخابات دور دوم برگزار نشد و عملکرد کمیسیون انتخابات و برخی از وزرا و روسای ادارات در جریان انتخابات طرف اعتراض کاندیدای رقیب قرار گرفت.

بیم تکرار و ادامه تقلب در دور دوم وجود داشت و از رئیس جمهور خواسته شد تا افراد مشخصی را که در تقلب دست داشتند از وظایف شان به طور موقت کنار بگذارد. این خواست رد گردید و شرکت در دور دوم تحریم شد و کمیسیون بدون این که صلاحیت داشته باشد یک نامزد را به حیث رئیس جمهور اعلام کرد.

چون رئیس جمهور اعلام شده؛ مشروعیت لازم را ندارد و فقط قناعت و رضایت کاندیدای رقیب و حامیان او می توانند تا اندازه یی این مشروعیت را ایجاد کند، پس جمعیت اسلامی افغانستان در بحث های که به منظور ایجاد یک جکومت مشارکت ملی از سوی رئیس جمهور پیشنهاد گردید شرکت نمود.

۳– ما هرگز در مورد نام ها و مصطلحاتی چون "مجاهد" تعریف ها وتحدید های خاص و تنگ نظرانه نداشته ایم و نگفته ایم که رئیس جمهور و معاونین او از جمع مجاهدین نیستند و یا هیچ مجاهدی در حکومت حضور ندارد

ادامه در ص ۷